

دین هیتلر

عقاید منحرفی که رایش سوم را به پیش برد

نویسنده: ریچارد وایکات

ترجمه: کاوه حسین زاده راد



سرشناسه: ویکرت، ریچارد، ۱۹۵۸-م. - Weikart, Richard, 1958-
عنوان و نام پدیدآور: دین هیتلر: عقاید منحرفی که رایش سوم را به پیش برد/
نویسنده: ریچارد وایکات؛ ترجمه کاوه حسین زاده راد.
مشخصات نشر: تهران: طرح نو، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۴۴۶ ص.: مصور.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۸۹-۱۷۵-۵
وضعیت فهرست نویسی: فیبا

عنوان اصلی: Hitler's religion the twisted beliefs that drove the Third Reich, 2016.

یادداشت: نمایه.

موضوع: هیتلر، آدولف، ۱۸۸۹ - ۱۹۴۵م. — دین
موضوع: Hitler, Adolf, 1889 - 1945 -- Religion
شناسه افزوده: حسین زاده راد، کاوه، ۱۳۵۸ — مترجم
شناسه افزوده: HosseinzadehRad, Kaveh
رده بندی کنگره: DD۲۳۷
رده بندی دیویی: ۰۸۶۰۹۲/۹۴۳
شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۵۰۳۳۹

www.ketab.ir

عنوان: دین هیتلر |
عقاید منحرفی که رایش سوم را به پیش برد |
نویسنده: ریچارد وایکات | مترجم: کاوه حسین زاده راد |
ویراستار: صادق یزدانی | ناشر: طرح نو | نوبت چاپ، سال انتشار: اول، ۱۴۰۱ |
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۸۹-۱۷۵-۵ |
طراح روی جلد: آرام یعقوبی | صفحه آرا: نازنین نصیری |
چاپخانه: الوان | شمارگان: ۵۰۰ نسخه |
حق انتشار: همه حقوق محفوظ است |



فهرست

۷.....	مقدمه مترجم
۱۲.....	دیباچه
۳۷.....	فصل اول: آیا هیتلر ریاکاری مذهبی بود؟
۵۱.....	فصل دوم: دین هیتلر متأثر از چه کسی بود؟
۷۵.....	فصل سوم: آیا هیتلر ملحد بود؟
۱۰۵.....	فصل چهارم: آیا هیتلر مسیحی بود؟
۱۴۷.....	فصل پنجم: آیا هیتلر می‌خواست کلیساها را نابود کند؟
۱۸۹.....	فصل ششم: آیا هیتلر یهودستیزی خود را از مسیحیت گرفته بود؟
۲۱۵.....	فصل هفتم: هیتلر عالم به علوم خفیه بود یا قائل به کافرکشی؟
۲۳۹.....	فصل هشتم: پروردگار هیتلر که بود؟
۲۶۷.....	فصل نهم: آیا هیتلر خلقت‌باور بود؟
۲۹۳.....	فصل دهم: آیا اصول اخلاقی هیتلر بر دین استوار بود؟
۳۲۳.....	نتیجه‌گیری
۳۲۹.....	یادداشتی در باب منابع
۳۳۵.....	یادداشت‌ها
۴۳۱.....	نمایه

مقدمه مترجم

سوگیری مذهبی آدولف هیتلر، انسانی که تاریخ هرگز نمی تواند او را فراموش کند، معمایی همیشگی است. ملحدان سخت بر این باورند که هیتلر یک مسیحی معتقد بود. در مقابل، مسیحیان او را خدا ناباور می دانند و برخی دیگر معتقدند از پیروان علوم خفیه بود. ریچارد وایکات مورخ می گوید هیچ یک از این نظریه ها درست نیست. وایکات با ریزبینی و دقت بسیار به ایمان مذهبی هیتلر می پردازد و حقیقت تکان دهنده و شگفت انگیزی را درباره منفورترین مرد قرن بیستم آشکار می کند: آدولف هیتلر همه خداآوری بود که اعتقاد داشت طبیعت خداست. وایکات در کتاب دین هیتلر توضیح می دهد که چگونه قوانین طبیعت به یگانه راهنمای اخلاقی هیتلر بدل شدند و چگونه او متقاعد شد، طبق اشکال نژادپرستانه داروینیسم که در آن زمان رایج بود، با نابود کردن انسان های ظاهراً «بیست» و بالابردن رفاه و تولیدمثل آریایی های به ظاهر برتر به خدا خدمت خواهد کرد.

ریچارد وایکات (زاده جولای ۱۹۵۸) استاد تاریخ دانشگاه ایالتی کالیفرنیا و عضو ارشد مرکز علم و فرهنگ مؤسسه دیسکاوری است. وایکات کارش را بر دعاوی مربوط به تأثیر تکامل بر اندیشه اجتماعی، نظام اخلاقی و اخلاق متمرکز کرده است. او مدرک کارشناسی خود را در سال ۱۹۸۰ از دانشگاه مسیحی تگزاس، کارشناسی ارشد را در سال ۱۹۸۹ از دانشگاه مسیحی تگزاس و دکترای تاریخ را از دانشگاه آیووا در سال ۱۹۹۴ دریافت کرد. وایکات در دهه ۱۹۷۰ در قامت یک مسیحی، بر اساس این باور که «تفکر مدرن بشریت را خوار و خفیف کرده است»^۱ مطالعه تاریخ روشنفکری را آغاز کرد. او دیدگاهی نقادانه به داروینیسم دارد و در

1. Weikart, Richard (July 18, 2008). "The Dehumanizing Impact of Modern Thought: Darwin, Marx, Nietzsche, and Their Followers". Discovery Institute. Retrieved 2008-05-17.

مصاحبه با نشریه‌ای از یک سازمان مخالف سقط جنین گفت: «داروینیسم در واقع زندگی انسانی‌ها را کم‌ارز کرده است و به ایدئولوژی‌های مروج نابودی زندگی انسان‌هایی می‌انجامد که پست‌تر از دیگران تلقی می‌شوند... داروینیسم حقیقتاً مسئله مرگ و زندگی است.»^۱ بیراه نخواهد بود اگر بگوییم در کتاب دین هیتلر این داروین است که در لایه‌های زیرین متن حضور دارد.

نخستین کتاب وایکارت / اسطوره دیتریش بونهوفر: *آیا الهیات او مبتنی بر انجیل است؟* درباره رابطه الهیات دیتریش بونهوفر (یکی از اعضای مؤسس کلیسای معترف که به جرم مشارکت در طرح کشتن آدولف هیتلر به دار آویخته شد) با مسیحیت انجیلی بود. اثر بعدی وایکارت *داروینیسم سوسیالیستی: تکامل در اندیشه سوسیالیستی آلمان از مارکس تا برنشتاین* نام دارد که برگرفته از پایان‌نامه دکترای اوست. این کتاب استدلال می‌کند که کارل مارکس، فردریک انگلس، آگوست بیل، کارل کائوسکی و ادوارد برنشتاین به‌منظور ایجاد «نظریه‌ای سوسیالیستی که مبتنی بر علم باشد، به نظریه اجتماعی جامعه زیست‌شناسی» پوشاندند.^۲

اهالی دانشگاه از کتاب دیگر او، یعنی *از داروین تا هیتلر*، انتقادهای گسترده‌ای کردند و در مقابل، خلقت‌گرایان از آن تمجید کردند. چهارمین اثر وایکارت *نظام اخلاقی هیتلر* نام دارد که در آن استدلال می‌کند «ایدئولوژی آدولف هیتلر حول محور نظام اخلاقی تکاملی^۳ می‌چرخد: این ایده که هر چیزی

1. Weikart, Richard (Spring 2004). "Does Darwinism Devalue Human Life?". 30 (2). The Human Life Review.

2. Andreas W. Daum, (Dec., 2002), Reviewed work(s): "Socialist Darwinism: Evolution in German Socialist Thought from Marx to Bernstein by Richard Weikart," Isis, Vol. 93, No. 4, pp. 727-728.

۳. evolutionary ethics: معادل جافتاده و مصطلح evolution در زبان فارسی «تکامل» است. اما باید در نظر داشت که مراد از آن ضرورتاً حرکتی روبه‌کمال یا از ساده به پیچیده نیست، بلکه پاره‌ای اوقات حتی ممکن است عکس آن اتفاق بیفتد. به همین دلیل برخی از اصطلاح «تطور» به‌معنای «دگرگون‌شدن و از طوری به طور دیگر تبدیل‌شدن» استفاده می‌کنند که در خود معنای ارزش‌گذارانه ندارد و بر صرف تغییر و دگرگونی متأثر از انتخاب طبیعی دلالت دارد-م.



که پیشرفت تکاملی را ترویج می کند خوب است و هرچیزی که مانع آن شود بد.»^۱ به عقیده وایکات، نظام اخلاقی تکاملی تقریباً تمام ویژگی های اصلی سیاست نازی ها را شکل داد: اصلاح نژادی (اقداماتی از جمله عقیم سازی اجباری برای بهبود ویژگی های ارثی انسانی)، قتل از رویِ ترحم، نژادپرستی، افزایش جمعیت، جنگ های تهاجمی و امحاء نژادی.» در سال ۲۰۱۶، وایکات دو کتاب با انتشارات رگنری، که ناشر آثار محافظه کاران است، منتشر کرد و دین هیتلر: عقاید منحرفی که رایش سوم را به پیش برد یکی از آن ها بود.

از زمانی که هیتلر در صحنه سیاسی آشفته آلمان در دهه ۱۹۲۰ ظاهر شد، جوهره دیدگاه های مذهبی اش و به طور کلی رابطه نازیسم و دین موضوعی بحث برانگیز بوده است. محققان نظرات متناقضی را مطرح کرده اند و استدلال می کنند که هیتلر یک ملحد، مسیحی، پیرو علوم خفیه یا یک کافرکیش جدید بود. وایکات اظهارات متعدد هیتلر، شهادت همکاران او و ادبیات تاریخ نگارانه را به طور کامل بررسی کرده است تا شواهدی قانع کننده ارائه دهد که دین هیتلر همه خداباوری یا چیزی شبیه به آن بوده است. وایکات با جمع بندی مجموعه فصول کتاب، گزینه های مختلف درباره دین هیتلر را یک به یک بررسی می کند و کنار می گذارد. این کار آسانی نیست، زیرا همان طور که وایکات می گوید، هیتلر «بوقلمون صفتی مذهبی بود، نمونه نابی از یک ریاکار مذهبی.» هیتلر به طور قطع متفکری نظام مند نبود و اظهارات به ظاهر متناقض بسیاری را درباره دین بیان کرد. یکی از نکات قوت کتاب، نحوه قرار دادن این اظهارات در بافتار و سیاق مناسب آن هاست.

باتوجه به اظهارات متعدد هیتلر در انتقاد از مسیحیت سنتی و برتری علم بر دین، چه بسا به نظر برسد که او در گنه خود یک ملحد بود. اما وایکات نشان می دهد که هیتلر به شیوه ای معمولاً گیج کننده معتقد بود «نوعی خدا وجود دارد» و این «خدا» که اغلب به عنوان «مشیت الهی» از آن یاد می کند-آلمان را به

1. Nowicki, Sue (May 10, 2008). "Stanislaus State professor laments intolerance toward opponents of evolution". Modesto Bee. Retrieved 2008-05-17.



پیروزی می‌رساند، مشروط بر اینکه قوم ژرمن با «عزم، نیروی اراده، پشتکار و تمایل به فداکاری به‌خاطر یاران هم نژاد» مبارزه را ادامه دهند. اگرچه هیتلر به عنوان یک کاتولیک پذیرفته شد، به هیچ وجه مسیحی‌ای متعارف نبود. او اموری مانند الوهیت، رستاخیز و معجزات عیسی، اخلاق مسیحی عشق، امکان رابطه شخصی با خدا را رد کرد. مسلماً هیتلر سعی می‌کرد «زمانی که با مقاصد سیاسی او سازگاری داشت، خود را چونان یک مسیحی جا بزند.» درواقع، عیسای هیتلر یک آریایی «تازیانه‌به‌دست» بود که علیه «مادی‌گرایی یهودی» می‌جنگید و پولس رسولش یک «خام مودی قرن اول» بود که «آموزه‌های عیسی مسیح را به تباهی کشاند.» هدف بلندمدت هیتلر برانداختن کلیساهای مسیحی در آلمان بود، اما با افزایش محدودیت‌ها، رویکردی گام‌به‌گام را برای کنترل برگزید. دراین باره، متقاعد شده بود که مسیحیت «به تدریج محو خواهد شد»، زیرا علم پوچی آموزه‌های آن را عیان می‌کند.

برخی هیتلر را پیرو علوم خفیه یا کفر گیش می‌دانند. بدون شک چند نازی بلندپایه، به ویژه هینریش هیملر، چنین تمایلاتی داشتند. اما وایکات شواهدی ارائه می‌دهد که دیدگاه هیتلر درباره هر دو آن‌ها به‌طور کلی منفی بود. وایکات گزینه‌هایی چون لادری‌گری، خداآوری طبیعی و خداآوری غیرمسیحی را درباره دین هیتلر مطرح می‌کند. باین حال، در تحلیل نهایی نتیجه می‌گیرد که هیتلر به احتمال زیاد یک «همه‌خداآور علمی»، یعنی کسی که بر جبرگرایی قوانین طبیعی تأکید می‌کند، بوده است. شواهد درخور توجهی وجود دارد که هیتلر طبیعت همیشه ماندگار را با خدا یکی می‌دانست و «اراده و افعالی را به طبیعت منتسب می‌کند که معمولاً به مقامی الوهی اختصاص دارد.» از آنجایی که طبیعت برای هیتلر سرچشمه قوانین اخلاقی بود، تعجب آور نیست که «طبیعت را توجیهی برای سیاست‌های خشونت‌آمیز خود می‌دانست.» او آن اندازه از شم سیاسی برخوردار بود که تشخیص دهد رژیمش، به‌ویژه طی سال‌های جنگ، نیازمند حمایت مردمی است. بنابراین، در اظهارات عمومی خود به مشیت الهی و قادر متعال استناد می‌کرد و به برخی

اصطلاحات دینی سنتی متوسل می‌شد، درحالی‌که در جمع خصوصی آن‌ها را به روش‌هایی غیرسنتی تعریف می‌کرد. به گفته وایکات، هیچ کدام از این‌ها، از قوت احتمال همه‌خداباوربودن هیتلر نمی‌کاهد.

وایکات با تکیه بر اثر پیشین خود درباره نازیسم و نظام اخلاقی تکاملی، کتایش را با برخی از پیامدهای دل‌خراش دین هیتلر به پایان می‌رساند. دیکتاتور در موضع یک داروینیست اجتماعی ستیزه‌جو و آریایی‌محور، هرچیزی را که پیش‌برنده نژاد نوردیک بود از نظر اخلاقی خوب می‌دانست و هرچه را که منجر به انحطاط بیولوژیکی می‌شد، مذموم می‌شمرد. این موضع به «دیدگاهی بی‌رحمانه به جهان» تبدیل شد که در آن «شرکت در مبارزه برای بقا الزامی اخلاقی بود که تأیید الهی را با خود داشت.» بنابراین از نظر او قساوت، ظلم، قتل، و حتی نسل‌کشی، اگر هدف فولک آلمانی را پیش می‌بردند، از نظر اخلاقی توجیه می‌شدند. هیتلر به خدایی خدمت کرد و وجدانی را پرورش داد که برایش اصلاً اهمیتی ندارد اگر برخی از مردم در مبارزه جهانی برای بقا نابود شوند. خدای او فقط به قوی‌ترین، تواناترین و باهوش‌ترین‌ها اهمیت می‌داد و هیتلر مطمئن بود قوم ژرمن بهتر از هر نژاد دیگری مظهر این صفات است.